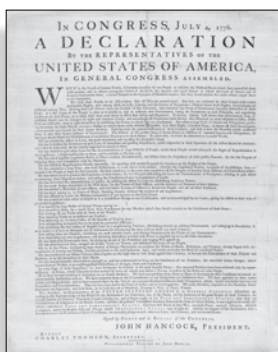


حق مقاومت

بخش نخست
(تبیین و شناخت)

مریم روح بخش

همچنین قرآن کریم در آیه ۹۱ سوره "توبه" می‌فرماید: "بر نیکوکاران هیچ راه نکوهرشی نیست" در آیه قبل نیز عنوان شده‌است که بر مظلوم خُرَجی نیست، و نکوهرش بر ستمگران است. بنابراین، خداوند به وسیله حجت باطنی و حجت ظاهری، راه را روشن کرده است و جای توجیه برای تن دادن به ستم نگذاشته است. البته ستمگران، در لوای شعائر دینی و انجام مراسم مذهبی به قلب حقایق و محو عدالت کمر می‌بندند و در پوشش مذهب، هویت مذهبی انسان‌های تحت ستم را مسخ می‌کنند و با به استضعاف کشیدن آنها زمینه انظلام را آماده می‌سازند، تا هرگونه که خواستند در همه چیز آنان تصرف کنند. اما به همه اینها چه عذری برای پذیرفتن ستم و فرمانبری ستمگران و پیروی فاسقان هست، که خداوند به حکم الهامات فطری و با وجود نمونه‌های عینی راه توجیه و گریز را بسته است و در منطق دین، تمکین به جهل و جور مردود است.



اعلامیه استقلال آمریکا ۱۷۷۶

در غرب نیز، با شناخت و ترسیم حق مقاومت و سیر تاریخی آن از قرارداد مگنا کارتا و اعلامیه استقلال هلند است که انقلاب آمریکا و فرانسه در سده هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به پیروزی رسیدند و حقوق سنتی و مقدس دولت‌های مستقر را به چالش کشانند. اعلامیه‌های تاسیس این انقلاب‌ها نیز در بیان ضرورت و اثبات حق مقاومت در کنار سایر حقوق و آزادی‌های اساسی بی‌تفاوت نمانند و به‌عنوان مثال: در اعلامیه استقلال آمریکا عنوان شده که؛ "ما معتقدیم که این حقایق بدیهی و بی‌نیاز از توضیح‌اند که همه مردم یکسان آفریده شده‌اند و خداوند برای آنان حقوق مسلمی مقرر کرده‌است که سلب‌شدنی نیستند... برای تأمین این حقوق بین مردم حکومت‌هایی به‌وجود آمده‌اند که اختیارات به‌حق آنها ناشی از رضایت مردمی است که بر آنان حکومت می‌کنند."

در دنیای کنونی، رابطه ایده قانون و اعتبار آن مشخص نیست. هرگونه پافشاری بی‌قید و شرط بر سلب آزادی ملت‌ها، به باتلاقی مفهومی می‌انجامد. اصولاً حق‌ها برای بیان حقایق مورد استفاده قرار می‌گیرند و حق مقاومت در حقیقت از اثبات حقوق و آزادی‌های اساسی انسان نشأت می‌گیرد، از کرامت ذاتی و حق طبیعی انسان آغاز می‌شود و در نهایت محدودیت در قانونگذاری و حق مشارکت در سیاست را نتیجه می‌دهد؛ وفق چارچوب‌های تقنینی استحقاق انسان در تعیین سرنوشت، محدودیت و کنترل قدرت شناسایی می‌شود، اما بهره‌مندی از این حقوق مستلزم اقدام و مطالبه ذی‌حق است. به عبارتی هدف و محدوده قدرت سیاسی که در شرایط طبیعی در اختیار هر انسانی و برای حراست از کل جامعه بوده‌است، نمی‌تواند، زمانی که در اختیار حاکم قرار می‌گیرد، هدف یا محدوده دیگری به‌غیر از حراست از زندگی، آزادی و دارایی اعضای جامعه داشته باشد.

بنابراین، چنین قدرتی نمی‌تواند قدرتی مطلق و خودسر بر زندگی و سرنوشت کسانی اعمال کند که باید از زندگی و سرنوشت وی حراست شود و اگر هر نیرویی، بخواهد نیروی قانونگذاری را از انجام آن چه برای جامعه ضروری است و آن جا که امنیت و بقای مردم به آن بستگی دارد، باز دارد، مردم این حق را دارند که آن نیرو را با مقاومت از سر راه خود بر دارند. در تفسیر آیه ۴۱ سوره مبارکه "شورا" عنوان شده‌است که آن کسی که پس از ستم‌دیدن و پایمال شدن حقوق و آزادی و امنیت خویش از مردم یاری بخواهد و با انگیزش آزادی‌خواهان و غیرتمندان و انسان‌دوستان داد خود را از ظالمان بگیرد، بر او هیچ سرزنش و نکوهشی نیست و او کار شایسته‌ای انجام داده است، اما باید بکوشد که از مرز عدل و داد نگذرد و به کسی که در حق او ستم روا داشته است، اینکه خود بر او ستم روا ندارد.

با این بیان ایستادگی در برابر ظلم و ستم‌ستیزی خود را از دیدگاه اسلام و قرآن ارزش است و انسان باید در برابر ظالم بایستد و به‌آسانی ظلم را نپذیرد و اگر خودش به تنهایی نمی‌تواند در برابر ستم پایداری کند، باید از دیگران یاری بخواهد و کسانی هم که صدای ستم‌دیده‌ای را می‌شنوند نباید بی‌تفاوت بگذرند؛ چرا که آنان نیز وظیفه دارند او را برای رسیدن به حق خود یاری کنند.



هر زمان که هر نوع حکومتی مخرب این هدف‌ها شود، حق مردم است که آن را تغییر دهند یا براندازد و به جای آن حکومت تازه‌ای بر پایه این اصول برقرار کنند و اختیارات آن را به نحوی که به نظر آنان تامین‌کننده امنیت و سعادت مردم است سازمان دهند.

همچنین است، ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه که ایستادگی در برابر ستم را از حقوق بشر و هدف جامعه‌سیاسی بیان می‌کرده و عنوان می‌دارد که هدف هر اجتماع سیاسی صیانت از حقوق طبیعی و غیرقابل اسقاط بشری است. این حقوق عبارتند از: آزادی، مالکیت، امنیت و ایستادگی در برابر ستم. حق مقاومت در سال‌های اخیر منجر به انقلاب گل‌رز در گرجستان، انقلاب نارنجی در اوکراین و

نیز تغییرات حکومتی چند ماه اخیر در این کشور شده است.

برخی را عقیده بر این است که می‌باید اساس و پایه دموکراسی را در یونان باستان جست‌وجو نمود، رابطه‌ی بین شهروندان با زمامداران در تمدن‌های یونانی و مشارکت سیاسی مستقیم آنان نه تنها از طریق تعیین نماینده، که با حق مشارکت مستقیم سبب شد که حتی پس از اضمحلال حکومت آنان و شکل‌گیری امپراتوری‌های اروپایی نیز سیر تکاملی خود را ادامه داد، پرداختن به حقوق شهروندی و استمرار این سیر تا اعلامیه‌ی استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه پس از انقلاب کبیر و طی روند تکاملی به سوی صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، از اهمیت زیادی برخوردار است.

این اهمیت ناشی از این است که حقوق شهروندی شکل گرفته در سیر تکاملی مزبور را به‌وصف حقوق بشر متصف کرده و به آن خاصیتی جهانی می‌دهد و به بشر، بدون توجه به هرگونه وجوه تفکیک یا تبعیض دیگری می‌نگرد. به‌عنوان مثال در اصل ۱۳۳ اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند فرانسه، اشعار داشته شده که مقاومت در برابر ستم، نتیجه و ناشی از سایر حقوق انسانی است و در اصل ۱۳۵ عنوان شده که هنگامی که حکومت حقوق مردم را مورد تجاوز قرار دهد، شورش برای همه یا بخشی از مردم در زمره‌ی مقدس‌ترین حقوق و واجب‌ترین تکالیف است.

ملاحظه می‌شود که درج اصول فوق در اعلامیه‌ای که در سال ۱۷۹۳ میلادی صادر شده، نتیجه استمرار منطقی وضعیتی است که "وجدان عمومی جامعه اروپایی" از دیرباز با آن خو گرفته است.

به‌عبارتی، اساس تدوین مواد و اصول موضوع در زمینه‌ی حقوق فردی، محدودکردن ماهیت توسعه‌طلب و احیاناً ستم‌گر قدرت است که اگر بی‌مهار و سد و بند رها شود ممکن است فرد را که غایت اصلی قوانین است، فدای مصلحت و امیال قدرت‌سیاسی کند.

اما با وجود شناسایی غرب از آتن به‌عنوان نخستین جامعه دموکراتیک معتقد به حق مقاومت باید اذعان داشت که پیشینه‌ی فوق در تمدن پارسی و در سلسله‌ی هخامنشی با غنای بیشتری نسبت به تمدن یونانی وجود داشته است. ابداع پدیده‌ی شهروندی ریشه در این واقعیت دارد که در تمدن یونانی همه‌ی مردم از حقوق عمومی بهره‌مند نبودند و این حق، محصور در اقلیتی بوده که واجد این حقوق محسوب می‌شدند و فقط آنان شهروند شمرده می‌شدند؛ اما در ایران باستان از آنجا که هیچگونه دیگرنانیدی درباری مردمان یک روستا با شهر یا پایتخت نبوده است، این واژه پدیدار نشد.



منشور حقوق بشر کوروش کبیر ۵۰۰ سال قبل از میلاد

با این وجود بعد از قدرت‌گیری زرتشتیان در عصر ساسانی طبقه‌بندی در جامعه ایران رواج پیدا کرد و در عصر صفوی به اوج خود رسید؛ بنابراین، شناخت دموکراسی و در ایران با وجود سابقه‌ای غنی‌تر و قدیمی‌تر مورد اضمحلال واقع شد.

به هر تقدیر قرارداد مگناکارتا، اعلامیه استقلال هلند، اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه که جایگاه برجسته‌ای در تحولات شناخت حقوق بشر به‌خود اختصاص داده‌اند، در پی‌ریزی حاکمیت ملی و انتقال قدرت تصمیم‌گیری از پادشاه به شهروندان نقطه‌عطف به‌شمار می‌روند. در حقیقت در پرتو نگاه جدید به مفهوم حاکمیت، رعایا به مقام شهروندی ارتقاء پیدا کردند و در کنار تعهدات و وظایف از حقوق اجتماعی قابل حمایت بهره‌مند شدند.

حکومت‌ها امروزه مکلف‌اند پاسداری از کرامت‌انسانی را به‌وسیله قوانین منصفانه برای ملت تامین کنند و در صورت تخطی حکومت از وظایف خود، مردم می‌باید به‌وسیله قانون اساسی محق باشند که بتوانند با شناخت آزادی و امنیت لازم از حقوق انسانی خود در برابر حکومت دفاع کنند.

بنابراین، ماهیت این آزادی‌ها جنبه حق امتیاز یا حق آزادی دارند؛ یعنی شهروندان در حق آزادی عقیده، بیان، تشکیل احزاب و انجمن‌ها یا در سازماندهی راهپیمایی مختارند و تکلیف الزام‌آوری برای انجام این امور ندارند. افزون‌بر این آزادی‌های گروهی جنبه حق قدرت نیز دارند؛ به‌عبارتی با اعمال آنها می‌توان مناسبات قدرت در جامعه را تغییر داد. □



بابک سفر

(بابی تور سابق)



نامی جاوید در صنعت حمل و نقل مسافربری تهران

کرایه اتوبوس، مینی‌بوس، دربست و سرویس کارخانجات

تلفن های دفتر مرکزی: ۷۷۶۰۲۵۹۸، ۷۷۵۱۱۹۰۱، ۷۷۶۰۳۹۵۲، ۷۷۶۰۳۸۸۷، فکس: ۷۷۶۰۴۳۱۷